

۸- مهارتهای رهبری و انگیزش
فرق رهبری و مدیریت در برانگیختن افراد است. مدیر
صرفاً به اداره امور طبق ضوابط می‌پردازد و یک نظم
دهنده محسوب می‌شود ولی رهبر، پیروان خود را
تهییج و برانگیخته می‌کند که خودشان خودکنترل
وظایف خود را انجام دهند.

قبل از بیان مهارتهای انگیزش و رهبری به بیان سلسله
مراتب نیازهای مازلو میپردازم:
انسانها دارای سطوح مختلف نیازها به ترتیب زیر
هستند و معمولاً تا برآورده نشدن نیاز سطح پائین تر
نیاز سطح بالاتر کمتر فرد را درگیر خود می‌کند. وقت
کنید که استثنای فراوان است:

۱- نیازهای فیزیولوژیکی: خوراک، پوشان، مسکن،
بهداشت و ... که سطح اول نیازهاست

۲- نیازهای ایمنی: اینکه نیازهای سطح اول همیشه
تامین شود حتی در بحرانها و زمان بازنشستگی.
اینجاست که نیاز به بیمه مطرح می‌شود.

۳- نیاز به محبت: اینکه دیگران را دوست داشته باشیم
و آنها نیز ما را دوست داشته باشند. نیاز به عشق ورزی
اینجا مطرح می‌شود. و معمولاً تا نیازهای سطوح اول
و دوم تامین نشود این نیاز کمتر مطرح است.

۴- نیاز به احترام: که خود به ۲ بخش درونی و بیرونی تقسیم می شود. درونی شامل احترام به خود که تحت عنوان عزت نفس مطرح است.

بیرونی به احترام دیگران به ما اشاره دارد که با پست و جایگاه اجتماعی و داشتن قدرت تامین می شود

۵- خودشکوفایی: به مرحله ای گفته می شود که فرد به دنبال شکوفایی استعدادهای خدا دادی خود می رود و شکوفایی آنها لذت می برد. مثلا انسانی در زمانی که به ثبات و آزادی مالی رسیده به دنبال پروراندن استعداد خود در آواز یا خوش نویسی می رود با اینکه شاید منافع مادی خاصی هم برایش متصور نباشد.

البته سطوح دیگری از نیازها نیز مطرح است مانند نیاز به کشف زیبایی ها و نیاز به جستن معنا برای زندگی. به نیازهای سطوح اول و دوم نیازهای سطح پائین و به سطوح ۳ به بالا نیازهای سطح بالا می گویند.

به عنوان یک نکته کاربردی اگر مدیری نتواند نیازهای سطح پائین را به علت کمبود منابع تامین کند اگر به نیازهای سطح بالاتر که به منابع مالی کمتری نیازمند است بپردازد میتواند رضایت زیردستان خودش را تامین کند و آنها را همچنان انگیزه مند نگه دارد.

۲- مدیر و وجود دارد:

۱- مدیران X

۲- مدیران Z که به رهبران شباخت بیشتری دارند و
کاریزماتیک ترند

مدیران X تصورشان بر این است که انسانها بیشتر درگیر سطوح پایین نیازها هستند بنابراین پیوسته به دنبال برانگیختن آنها با حقوق و مزايا و بیمه هستند. آنها را از زیر کار در رو و مسئولیت گریز میداند بنابراین پیوسته به کنترل آنها و تبیه آنها در صورت تخطی از وظایفشان هستند.

در صورتیکه مدیران Z تصویر مثبت ای از کارکنانشان دارند. آنها را در صورت برانگیخته شدن با نیازهای سطح بالا، خود کنترل میداند، بنابراین بسترهای در محیط کار برای پرسنل خود فراهم می آورند که مملو از محبت، احترام و شکوفایی استعداد ها و رشد فردی باشد. مطالعات نشان داده که مدیران Z بسیار موفق ترند و به رهبری نزدیکتر.

به عنوان یک جمع بندی از این قسمت میتوانیم نیازهای سطح پائین را نیازهای بهداشتی نامید که اگر نباشد صدای افراد در میاد ولی بودنشان برانگیخته و تهییجشان نمیکند. در صورتیکه نیازهای سطح بالا را

میتوان نیازهای انگیزه مند کردن نامید. یعنی برای به حرکت در آوردن نیروی انسانی باید به آن توجه نمود.

اثر پیغماليون و رهبری

اثر پیغماليون بيانگر اينست که هر تصویری که ما از کسی داريم در عملکرد واقعی او تاثير گذار است. به عنوان مثال اگر رهبری تصویری از وفاداري و توانمندي از پيروانش داشته باشد و به آن معتقد باشد در عملکرد آنها تاثير گذار است و آنها نيز سعی بر آن دارند که اين تصویر را محقق کنند. رهبران بزرگ دنيا باور به اين دارند که پيروانشان انسانهای توانمندی هستند که وفادارانه در جهت آرمان های آنها گام بر میدارند و همین باور در واقعيت نيز در رفتار آنها محقق می شود.

رهبری کاريزماتيك

كاريزما به معنای جذابيت و تاثيرگذاري شخصيت می باشد.

قبل اکتسابی از قابلیتی کاريزما را موهبتی الهی می دانستند ولی رشد علم به اثبات رساند که قابلیتی اکتسابی است.

رهبران با کاريزماي بالا از نفوذ بالايی در بين پيروانشان بهره مندند. و میتوانند آنها را در جهت

اهداف خود منسجم و تهییج کرده و وفادارانه تمام پتانسیل آنها را بکارگرفته و تواناییشان را به منصه ظهور برسانند.

رهبر کاریزما به شدت آرمان گراست. و خودش تجسم عینی آرمان است. انقدر به تحقق تصویری که از هدفش دارد باور و اشتیاق دارد که دیگران از گفتار و رفتارش پی به این علاقه وافر میبرند. آنها بسیار با اعتماد به نفس، عزت نفس و رحمت نفس بالایی هستند. اعتماد به نفس بالا یعنی به تواناییهای خودشان باور دارند. عزت نفس یعنی خودشان را ارزشمند می دانند نه خودکم بینند نه خود بزرگ بین. رحمت نفس یعنی هم خود و هم دیگران را به راحتی و مشفقارانه میبخشدند. این سه عامل در آنها اقتدار بوجود می آورد. آنها حضور پر رنگی در لحظه حال دارند. انگار زمان را در اختیار خود دارند. نه نگران گذاشته اند و نه آینده. بسیار به انسانها و رشد آنها علاقه مندند. بسیار اهل صداقتند. و بین عقیده، عمل و گفتارشان انطباق کامل وجود دارند. و در نهایت آنها خیر خواه پیروانشان هستند و محبت بی عوض دارند.

